

ما شعاری داشتیم به نام عدالت فرهنگی که در راستای آن تلاش کردیم تا عدالت فرهنگی به بهترین شکل در سراسر کشور برقرار شود. کما این که در حوزه آموزش، طرح آموزش رایگان هنر در مناطق محروم را راه اندازی کردیم و در حال حاضر ۷۲ هزار نفر از این آموزش رایگان بهره مند شده اند. خروجی آموزش ها هم این طور بوده است که امروز تمام کسانی که تحت این آموزش قرار گرفته اند می توانند از تاسیس موسسه و آموزشگاه هنری برخوردار شوند و خودشان مولد باشند که این مسئله در نوع خود گام مهمی بود. نکته بعدی در این حوزه تمرکز زدایی در جشنواره ها بود. ما جشنواره منطقه ای تئاتر را بعد از هفت هشت سال مجدداً احیاء کردیم. به خصوص این که اصولاً برگزاری جشنواره منطقه ای در کل کشور کار هزینه بر و دشواری است ولی به لطف خدا توانستیم این امر را محقق کنیم و نتایج خوبی هم از رهگذر این رویدادها به دست بیاوریم. در حوزه موسیقی نواحی هم دقیقاً این اتفاق افتاد و سعی کردیم به جای این که این جشنواره فقط در کرمان برگزار شود، دیگر استان ها هم سهمی در برپایی آن داشته باشند. معتقدم وقتی جشنواره ای را به یک استان می بریم، زیر ساخت های هنری آن استان از جمله تجهیزات سالن ها هم بازنگری می شوند. از این رو، به نظرم در حوزه عدالت فرهنگی نهایت تلاش مان را کردیم تا این اتفاق در تهران و تمام استان های کشور صورت بگیرد. در تهران هم به اضافه کردن پلاتوهایی پرداختیم که برج آزادی نمونه اخیر آن بوده است. هم چنین در زمینه تجهیزات سالن ها قدم های مثمر ثمری برداشته شده است تا گروه های مختلف بتوانند از امکانات این سالن ها استفاده کنند. مهم ترین هدف ما از تمرکز زدایی این بوده است که گروه های شهرستانی به سالن های مهم تهران راه یابند، دلیلش این است که وقتی این گروه ها می خواهند در جبهه هنری بگیرند، باید حتماً از امتیازاتی مثل برگزاری اجراهای صحنه ای یا برگزاری نمایشگاه برخوردار باشند، قبلاً چنین امکانی برای بچه های شهرستان فراهم نبود در نتیجه از این امتیاز هم بی بهره می ماندند و در جبهه هنری شان آسیب می دید. اما امروز گروه های شهرستان های مختلف می توانند در جشنواره های موسیقی فجر و موسیقی نواحی حضور یافته و در سالن های بزرگ به اجرا بپردازند تا برخوردار شدن از امتیاز در جبهه هنری را از دست ندهند.

### نکته ای هست که بخواهید به پایان گفت و گو اضافه کنید؟

ما قائل به این نیستیم که توانستیم همه منویات و نظرات اصحاب فرهنگ و هنر را بر آورده کرده ایم، چون فاصله زیاد است، بودجه ها کم و امکانات محدود است. چه بسا در مواقعی، امکانات اصلاً به دست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نبوده و نیست. این ها همه باعث شده است تا نتوانیم رضایتمندی صد در صدی اصحاب هنر را فراهم کنیم و از این بابت خود من عذر خواهیم. اما نا گفته نماند که هم و غم خود را به کار بستیم تا حمایت ها و توجه ها بیش از گذشته به سمت حوزه هنر جلب شود. در این مسئله تردیدی ندارم که من و همکارانم در شاخه های مختلفی چون موسیقی، تئاتر، هنرهای تجسمی و آموزش تلاش کردیم تا جایی که می شد بودجه ها افزایش یابند که الحمدالله این اتفاق افتاد و توجه ها به این سمت جلب شد که هنر و هنرمند در مملکت ما مهم است و اگر حرفی برای نظام و انقلاب داریم می توانیم به زبان هنر و از طریق هنرمندان بیان کنیم. در واقع تلاش های مادر این زمینه بوده است که منجر به افزایش مقداری عدد و رقم ها در حوزه هنر شده است.

### با توجه به این که گفت و گوی من و شما در روز خبرنگار میسر شده است اگر ممکن است درباره جایگاه خبرنگاران در جامعه هم بفرمایید.

من واقعا به تمام چشم های بیدار حوزه فرهنگ و هنر که خبرنگاران هستند خسته نباشید می گویم، چرا که آنها برای بخش های تاریک و کمتر دیده شده جامعه بسمه مثابه نورافکن عمل می کنند. اگر خبرنگاران نبودند بسیاری از بخش های فرهنگ و هنر دیده نمی شد و هنرمندان هم از چشم دولت مغفول می ماندند. نیاز هنرمند این است که چراغی روشن است و آن را به همه بنمایاند. امیدوارم قلم خبرنگاران روان و انصاف در کارشان جاری و ساری باشد.

سنتی عزم مان جزم است، منتهی گرایش جامعه به سمت پاپ است و نمی توان به زور افراد جامعه به خصوص نسل جوان را به سمت موسیقی غیر پاپ سوق دهیم. با این حال، آمارهای ما نشان می دهد که نسبت به موسیقی تلفیقی، نواحی و سنتی بی توجه نبوده و نیستیم. چندان که در سال گذشته ۲۴۱ مجوز برای موسیقی سنتی، در حوزه موسیقی نواحی ۱۱۵ مجوز، در بخش موسیقی تلفیقی ۱۵۳ مجوز و در بخش های دیگر هم به همین ترتیب مجوزهایی صادر شده است. طبیعی است که کنسرت موسیقی سنتی یک سالن ۳ هزار نفری را به سختی می تواند پر کند، می توان گفت اندک هنرمندانی در این زمینه داریم که بتوانند با برگزاری کنسرت، چنین جمعیتی را به این سالن ها بیاورند در حالی که به دلیل اقبال عمومی جامعه نسبت به موسیقی پاپ، این مسئله راحت تر میسر می شود. البته به معنی این نیست که ما تکلیفی در قبال موسیقی سنتی نداریم، باید حمایت و توجه ها نسبت به این نوع موسیقی بیشتر انجام شود.

### برخی بر این باورند که ذائقه مخاطبان موسیقی در سالهای اخیر نازل شده است، به نظر شما معاونت هنری به تنهایی می تواند در ارتقاء ذائقه مردم نقش داشته باشد؟

حتماً نمی تواند؛ چرا که معاونت هنری یک معاونت تنظیم گر است، نه یک معاونت تولیدی. تولید در مراکز دیگری مثل حوزه هنری، سازمان فرهنگی هنری اوج و... اتفاق می افتد و در این مراکز است که باید انتظار داشته باشیم تا ذائقه مردم جامعه نسبت به اثر هنری به خصوص کنسرت های موسیقی سنتی ارتقاء یابد. ما بودجه تولید موسیقی نداریم، چون تعداد آثاری که نیاز جامعه است به قدری زیاد است که اگر همه نهادها هم در کنار یکدیگر تلاش کنند حتی به یک دهم آن نیاز هم نمی توانند پاسخ بدهند. باقی تولیدات موسیقی در حال حاضر از طریق بخش آزاد و خصوصی تامین می شود، حتی رسانه هایی چون رادیو «پیام» و رادیو «آوا» هم امروز از بخش موسیقی آزاد بهره می گیرند، چون خودشان این حجم از تولیدات را در اختیار ندارند که بتوانند همه زمان های برنامه را پر کنند.

### اگر ممکن است درباره سر نوشت سند ملی هنرهای تجسمی هم توضیح دهید که در حال حاضر در چه مرحله ای قرار دارد؟

الحمدالله این سند مراحل نهایی کار خود را می گذراند و در شورای هنر مطرح شده است که اگر اعضای اصلی شورا نظرات خود را نسبت به این سند ابراز کند این سند تصویب خواهد شد و به شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رفت.

### یک سوال هم درباره تخصیص یک درصد بودجه عمرانی کشور به خرید آثار هنری داشتیم که از اوایل دهه ۸۰ تا امروز محقق نشده است، از دیدگاه شما چه موانعی بر سر راه تصویب این طرح در مجلس شورای اسلامی بوده است؟

الان این مصوبه وجود دارد که یک درصد از بودجه تمام سازمان ها و دستگاه ها به خرید آثار هنری اختصاص یابد. نکته ای که در گذشته وجود داشت و باعث می شد که این اتفاق نیفتد این بود که در قاعده و قانونی که مصوب شده بود، از واژه «مجاز» استفاده می شد، وقتی می گوئیم دستگاه های دولتی مجاز به خرید آثار هنری هستند، یعنی این که می توانند این کار را انجام بدهند و می توانند هم انجام ندهند. اما اخیراً واژه «مکلف» به کار می رود که الزام خرید آثار هنری را برای نهادهای دولتی به همراه دارد. ضمن این که برای استتکاف این قاعده، جرمه ای در نظر گرفته شده است، نه به این معنی که کسی را توبیخ کنند، بلکه سازمان برنامه و بودجه حق دارد راساً پول را بردارد و به حساب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بریزد. این اتفاق مهم و بزرگی است و هر سه ماه یک بار هم دستگاه ها و نهادها باید گزارش بدهند که چقدر برای این حوزه هزینه کرده اند. اگر این هزینه از یک درصد کمتر باشد قانون مکلف است که آن هزینه را به حساب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واریز کند.

### مهم ترین دستاورد معاونت هنری در این دولت در کدام شاخه بیشتر بوده است؟

واقعا این طور نیست، بله، تجلیات و تبلیغات موسیقی پاپ به قدری زیاد است که بخش های دیگر موسیقی به طور کلی در تیر رس نگاه عامیانه قرار نمی گیرد و وقتی همه مردم تبلیغات موسیقی پاپ را می بینند، احساس می کنند که موسیقی پاپ در شرایط فعلی غالب ترین ژانر است. در حالی که ما گونه های متنوع دیگری چون موسیقی کلاسیک، موسیقی نواحی، موسیقی آموزشگاهی و... را هم داریم و هر سال کنسرت هایی در هر کدام از این حیطه ها برگزار می شود که آمار مجوزهای شان در سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز موجود است. ولی باید بپذیریم که علاوه بر این که تجملات و تبلیغات موسیقی پاپ زیاد است، گردش اقتصادی هم در این نوع موسیقی بیشتر است.

در حوزه موسیقی سنتی و موسیقی نواحی چون گردش اقتصادی زیادی وجود ندارد متأسفانه تبلیغات گسترده ای هم در آن اتفاق نمی افتد. ولی در کلان ماجرا، تلاش ما همواره بر این بوده تا موسیقی سنتی در این دوره به محاق نرود. کما این که جشنواره موسیقی نواحی را در مناطق مختلف برگزار کرده و شرایطی را به وجود آورده ایم تا هنرمندان این حوزه اجراهای صحنه ای رایگان داشته باشند. به خصوص این که در سال های اخیر، در بنیاد روکی سالنی را به اجراهای تخصصی موسیقی نواحی اختصاص داده ایم. ولی واقعیت این است که اقتصاد موسیقی پاپ با اقتصاد این گونه از موسیقی قابل مقایسه نیست. دلیلش هم این است که اساساً اقبال عمومی جامعه به سمت و سوی موسیقی پاپ است. اما آنچه حائز اهمیت است این که ما در جریان حمایت از موسیقی

